



نمایی از طوس ، زادگاه فردوسی

## درخشانترین سخنسرای ایران

سکوی سوم ، که در وسط و بر بالای این دوسکو بنا شده ، همان سنگ گور شاعر است که از سنگ مرمر روشن ، با رگه های قرمز سوخته و گرتنه گلگون تراشیده شده است . طول آن ۱۵ متر و عرض آن حدود ۱ متر است . در حدود نیم متر هم ارتفاع دارد . بر روی آن ، ضمن تزئین حاشیه ها ، این سطور را با خط خوش نستعلیق حک کرده اند :

### بنام خداوند جان و خرد

این مکان فرخنده ، آرامگاه استاد گویندگان فارسی زبان و سراینده داستانهای ملی ایران حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی است که سخنان او زنده کننده کشور ایران و مزار او در دل مردم این سرزمین جاویدان است .

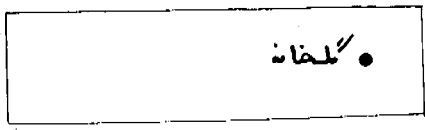
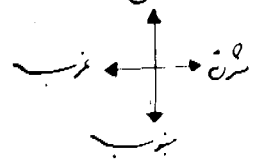
تاریخ تولد ۳۲۳ هجری قمری - تاریخ وفات ۴۱۱ هجری قمری - تاریخ بنای آرامگاه ۱۳۵۳ هجری قمری .  
جماعتی ، زن و کودک و مرد ، گرد سنگ گور حلقه زده اند . تقریباً همه ، با صدای بلند و درهم ، نوشته های روی سنگ را می خوانند . پاره ای فاتحه می فرستند . پاره ای درود .

هرگز هیچ خفته ای ، اینهمه پر آواز و گویا نبوده است . هر پارسی زبان ، در هر گوشه از اقلیم خاک ، در هر عصر و زمانه ای وقتی لب به سخن می کشد ، این فردوسی ، احیا کننده زبان ما ، درفش پرغور تاریخ و هویت ایرانی است که بر لبهای او جاری میشود .  
دیدار از آرامگاه فردوسی ، ملاقات با ابدیت ایران است . . .

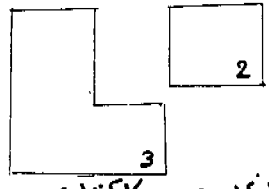
### درون تالار مقبره

در وسط تالار آرامگاه بزرگترین حماسه سرای ایران سکویی از سنگ تراشیده ، مربعی که طول هر یک از اضلاع آن ۵ متر است و از زمین ۲۰ سانتیمتر ارتفاع دارد ، بنا شده است . این سکو ، از ۱۶ مربع سنگی به ابعاد ۱۲۵ متر تشکیل می شود . بر این سکو ، سکوی سنگی دیگری قرار دارد که طول اضلاع آن ۲۵ متر است و مجموعاً از ۴ مربع سنگی به ابعاد تقریبی ۱۲۵ متر تشکیل شده است و از سطح اولی ۲۰ سانتیمتر ارتفاع دارد .

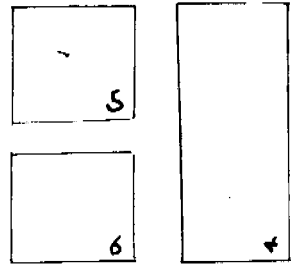
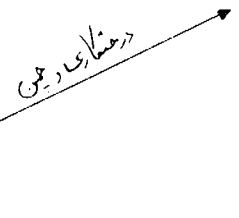
نقشه تفریحی آرامگاه  
در پهنه ۱۳۵۴



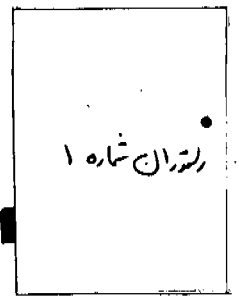
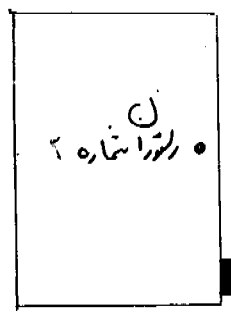
• سقف از بام یک تیم ترس که  
سایبان بر آن احداث شده



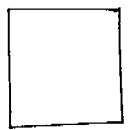
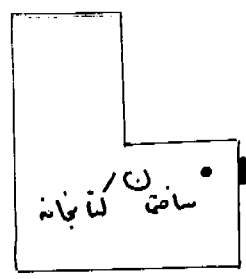
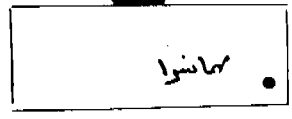
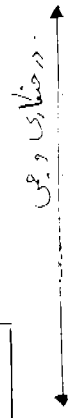
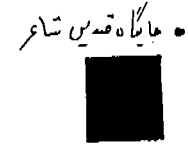
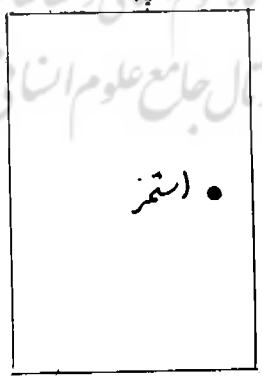
1. 2. 3 ساختمان‌های جهت ملاکات



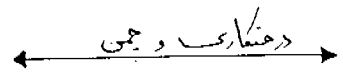
4. 5. 6 ساختمان‌های در حال احداث برای  
جدید کتابخانه

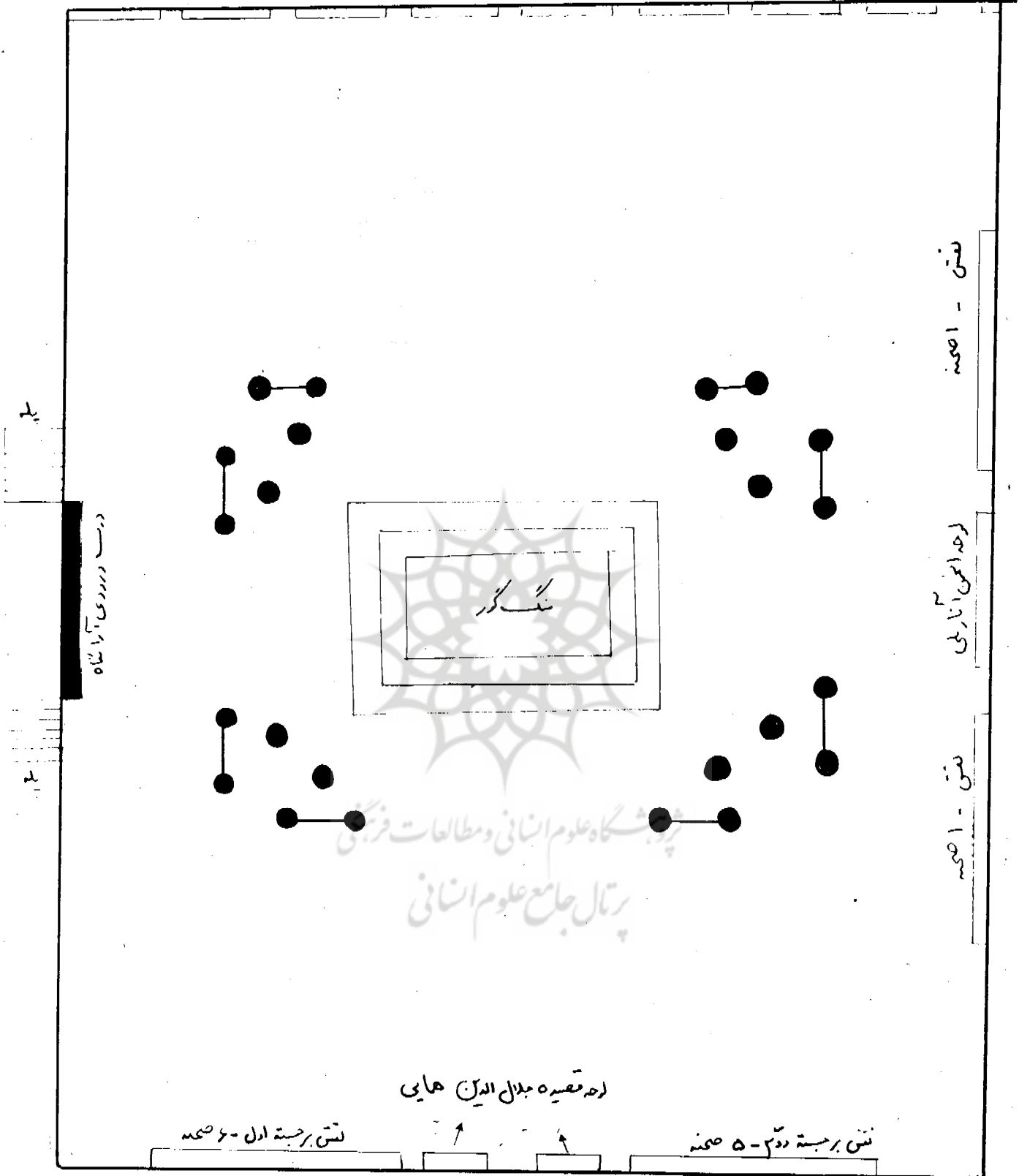


پژوهشگاه علوم و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



• جایگاه فرش  
بلایه درودی





که : روانش شاد . . .

احساس می‌کنی که این مغزها و قلبهای سپاسگزار، از پی هزارواندی سال، با مغز و قلب این فرزند مردم، این سراینده حماسه‌های میهنی که قرن‌هاست در قاب خاک، از حرکت و شور و تپش باز ایستاده، هنوز پیوندی گرم و زنده دارند. امروز با روزگاران پیشین می‌آمیزد. شکوهی، خونت را گرم می‌کند، به یاد نقالان و، قهوه‌خانه‌های پراز مردم، و دهانها و چشمهای باز می‌افتی و چای و قلیان که فراموش می‌شوند. احساس می‌کنی که شاعر، فرزند همین مردم است. همین مردم قرن‌ها پیش! پای تصاویر برجسته روی دیوار، شلوغ‌تر است. مردم آنها را با دقت و علاقه نگاه می‌کنند. پاره‌ای هم به تفسیر آنها می‌پردازند. بقیه گوش می‌دهند و در فکر فرو می‌روند. گویی به میان حوادث شاهنامه رفته‌اند و همپای قهرمانان این حماسه، گام برمی‌دارند.

کف تالار، با نوعی سنگ مرمر، دارای رگه‌های کبود، ۹۰×۹۰ سانتیمتر، و گاه ۹۰×۴۰ سانتیمتر فرش شده است. دیوارهای تالار نیز، سراسر با همین سنگ، منتها با ابعاد ۵۰ و ۲۰ پوشیده شده است.

گرداگرد مدفن شاعر را، ۲۰ ستون قطور احاطه کرده‌اند. در هر یک از گوشه‌های سکوی گور، به فاصله‌ای اندک، ۲ ستون برپاست. و پس از این ستونها، باز به فاصله‌ای اندک، ۱۲ ستون دیگر، ستونهای اولی را در میان گرفته‌اند. قطر هر یک از آنها، در حدود ۷۰ سانتیمتر است. محیط قاعده ستونها، به شکل بیست گوشه منظم است و سراسر بدنه آنها را، تا سقف، سنگهای مرمر باریک ۵۰×۱۰ سانتیمتر می‌پوشاند. ستونهای بیرونی، دوتا دوتا، با دیوار زینتی کوتاهی به ارتفاع ۱٫۵ متر، به یکدیگر متصل می‌شوند.

سقف آرامگاه، یکپارچه از سیمان است. در وسط آن، مربعی به طول و عرض ۶ متر باز است که از همان پایین، از کف تالار مقبره، می‌توان دیوارهای طبقه دوم و سقف گنبد مانند و بلند آرامگاه را دید. لبه‌های این مربع را به طرف بالا برگردانده‌اند و به صورت دیوار کوتاه معجزمانندی درآورده‌اند که با دیوار آرامگاه، دوسوی یک معبر باریک را در طبقه دوم به وجود می‌آورد. این معبر، مربع مذکور را دور می‌زند. اگر در طبقه دوم باشی، می‌توانی روی معجزهای کوتاه خم شوی و سنگ گور، ستونها، قسمتی از کف تالار و مردم را از بالا ببینی. طول و عرض طبقه بالا، ۸×۸ متر است. دیوار، از کف آن تا ارتفاع ۳ متر کاشیکاری است. بعد، از چهار سو طاق می‌خورد و حدود دو متر به طرف داخل می‌آید و بار دیگر یک مربع ۶ متر در ۶ متر باز، می‌سازد. سطح طاق، با سنگ مرمر پوشیده شده است. از اینجا، دیوار مربع مذکور، تا ارتفاع ۸ متر پوشیده از کاشی، عمودی بالا می‌رود. بار دیگر

طاق کوچکی به سوی داخل می‌خورد، که مربعی ۵ متر در ۵ متر به وجود می‌آورد. سطح طاق بازم مرمر است. بار دیگر، مربع با پوشش کاشیکاری، عمودی بالا می‌رود، و بازم طاق به همان شکل، که مربعی ۲ متر در ۲ متر ایجاد می‌کند. این آخرین مربع نیز، حدود یک متر عمودی بالا می‌رود و به سقف کاشی کاری شده مربع شکلی به ابعاد ۲ در ۲ متر منتهی می‌گردد که روی آرامگاه را می‌پوشاند.

بر ضلع جنوبی داخل آرامگاه، و نیز ضلع شرقی، سنگ نوشته‌ها و نقوش برجسته‌ای نصب شده است که اینک به شرح آنها می‌پردازم. بر ضلع جنوبی، دو باریکه سنگی، به طول ۱۰ متر و عرض ۱ متر در ارتفاع ۲ متری از زمین نصب شده است که حاوی صحنه‌هایی از داستانهای شاهنامه هستند. در وسط این دو باریکه سنگی، دلو حوضه سنگ نوشته از مرمر روشن، به طول و عرض ۱۵×۱ متر در کنار هم نصب شده که قصیده‌ای بلند. در ۴۰ بیت از جلال‌الدین همایی (سنا)، با خط نستعلیق بر آن کنده شده است. در این جا چند بیتی از آن می‌آورم:

### آرامگاه فردوسی

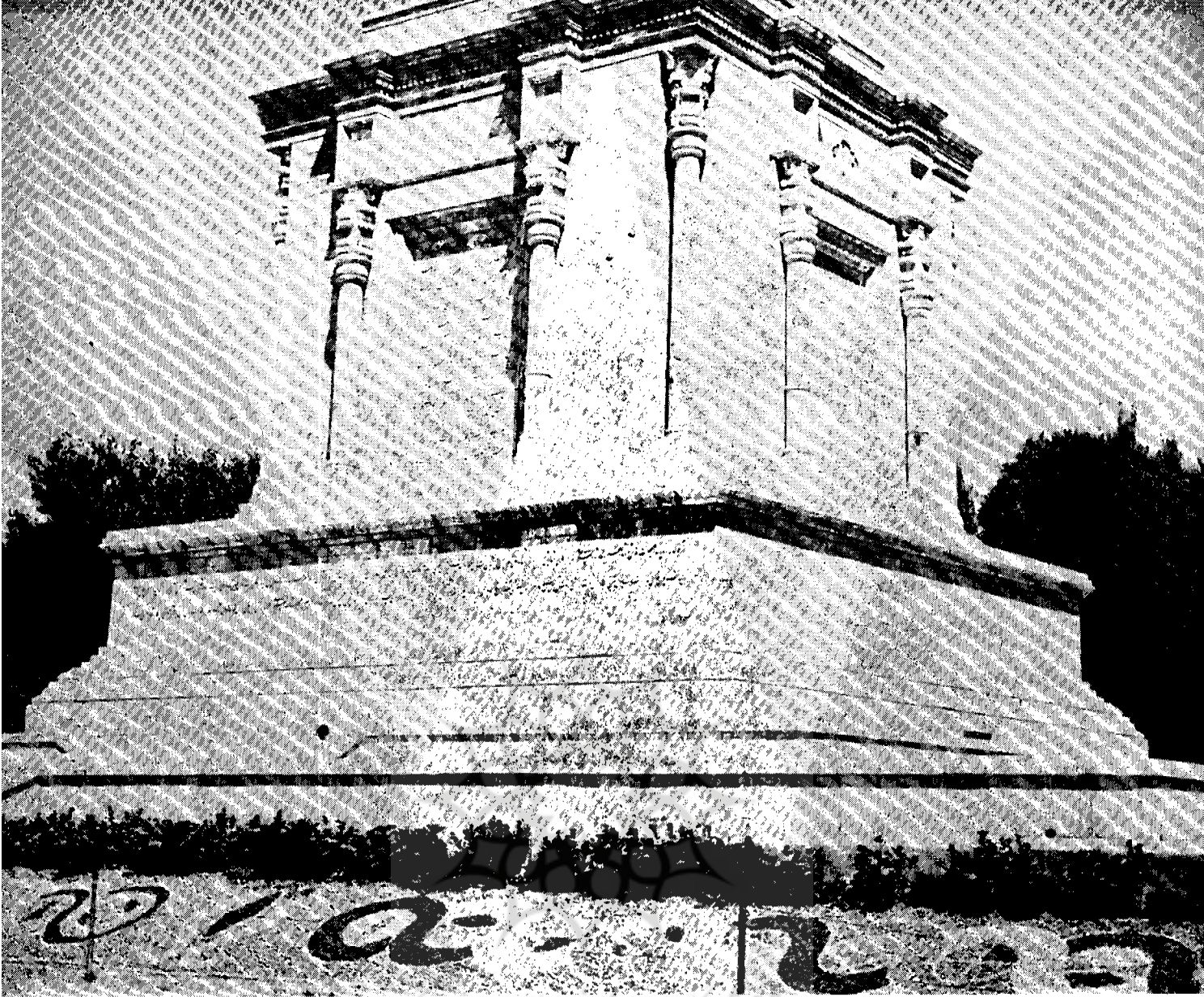
ای صبا ای بیک مشتاقان پیامی بر زمن  
سوی طوس آن سرزمین نامداران زمن  
پرورشگاه امامی چون محمد زین دین<sup>۱</sup>  
زادگاه خواجه‌یی همچون قوام‌الدین حسن  
وان نصیرالدین<sup>۲</sup> حکیم هوشمند بی‌همال  
وان ابو جعفر<sup>۳</sup> فقیه پیشوای مؤتمن

\*\*\*

ای صبا چون پای هشتی اندر آن نیکو دیار  
واندر آن ساحت گذشتی کامجوی و گام زن  
شست و شوئی کن بآب رودبار طابران  
پس بدان سو شو که باشد کعبه اهل سخن  
اندر آن آرامگاه در شو که فارغ از جهان  
صد جهان جان است آنجا خفته در یک پیرهن  
یاد او را در ضمیر آری شود روشن روان  
نام او را بر زبان رانی شود شیرین دهن  
اندر اقلیم سخن سنجی و ملک شاعری است  
خسروی کشورگشا رویین تنی لشکر شکن  
اوستادان سخن پزور، امیران کلام  
جمله بردرگاه او خاضع چو پیش بخت‌شمن

\*\*\*

جلوه عرش است این درگاه کلاه از سر بنه  
وادی طور است اینجا موزه از پایت بکن

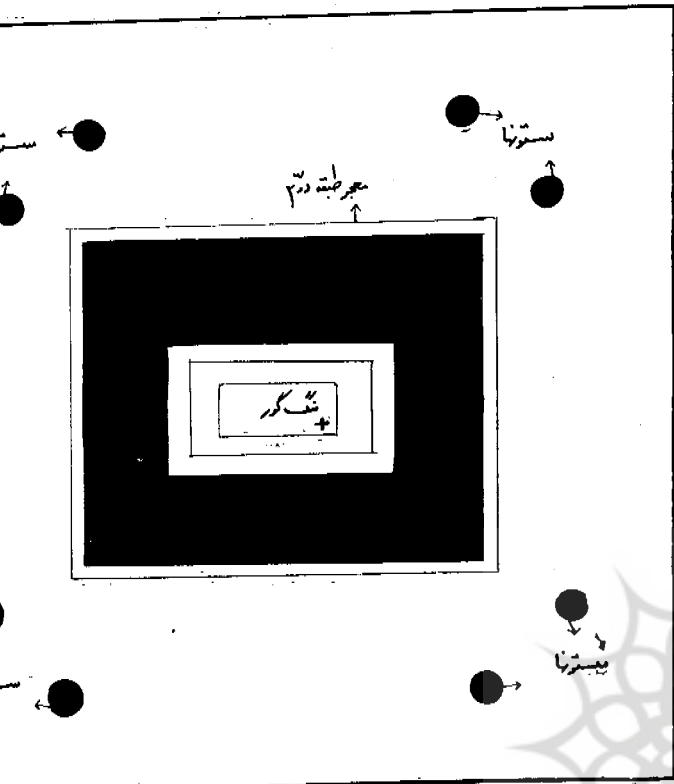


نمایی از آرامگاه

مرقد استاد طوس است این، بخاکش جبهه سای  
مدفن فردوسی است این، برزمینش بوسه زن  
با درود و با تحیّت آستان او ببوس  
پس بگو کای درسرخ استاد استادان فن  
ای ز تو مشکین هوای شعر چون از مشک جیب  
ای ز تو رنگین بساط نظم چون از گل چمن  
گوهر از نظم تو می بارد چو باران از سحاب  
حکمت از شعر تو می زاید چو از پستان لب  
نیغ اگر باشد سخن، باشی تو اش سیمین نیام  
شمع گر باشد سخن، باشی تو اش زرین لگن

خود پیمبر نیستی لیکن بود شهنامه ات  
آیتی منزل نه کم از معجز سکوی و من  
کی بود همچند یک در آدری از نظم تو  
آنچه یا قوت از بدخشان خیزد و در از عدن  
شرح نقوش برجسته روی سنگها، با خط نستعلیق،  
بدین قرار بر لوحه های کوچک برنجین، زیر هر صحنه نوشته  
شده است. بر سنگ نخستین، شش صحنه دیده می شود:  
۱- رفتن رستم به تَرَد شاه مازندران.  
۲- زال در پناه سیمرغ.  
۳- به کمند گرفتن رستم رخس را.

شال  
شرفه  
غرب  
شرق  
« نسته تعریب طبعه درم »



+ وضع آینه سنگ در طبعه اول تراداد (نکته در نسته فرق)

- ۴ - جنگ رستم با اژدها و کشته شدن اژدها .
- ۵ - به کمند افتادن زن جادوگر به دست رستم .
- ۶ - جنگ رستم با دیو سفید .

سنگ دوم ، پنج صحنه دارد بدین قرار :

- ۱ - رفتن رستم به نزد شاه مازندران .
- ۲ - جنگ رستم با پیلتن مازندران .
- ۳ - چاره جویی رستم از سیمرغ برای شکست از اسفندیار .
- ۴ - آوردن رستم تیر دوشاخ را از جنگل .
- ۵ - جنگ رستم با اسفندیار و پیروزی رستم .

بر ضلع شرقی داخل آرامگاه دو نقش برجسته ، به طول و عرض ۳ متر در ۱ متر و در میان آنها لوحه‌ای به طول و عرض ۱۲۰×۸۱ متر به دیوار نصب گشته است . نقش برجسته اول ، حاوی صحنه‌ای از داستانهای شاهنامه است که عنوان «انقلاب کاوه آهنگر علیه ضحاک ستمکار» را دارد . نقش دوم نیز تحت عنوان «در دربار انوشیروان» نشان داده شده است .

چنانکه گفتیم ، در میان این دو نقش برجسته ، لوحه دیگری است به خط نستعلیق ، از آن انجمن آثار ملی که در آن ، از تاریخ بنای آرامگاه و مختصری نیز درباره کارهای دیگری که انجام شده ، سخن رفته است .

نوشته‌ها ، همه به خط حسن زرین خط است و حجاری‌ها کار شعبان پورجعفری است .

در جانب غربی آرامگاه آنجا که از دوسو پله می‌خورد و پائین می‌رود و به مدخل ورودی آرامگاه منتهی می‌شود ، روبروی در ، لوحه‌ای سنگی به دیوار نصب شده ، که ابتدا سه بیت از اشعار حماسه سرای میهنی حک شده است و شمه‌ای درباره جشن هزاره او و گشایش آرامگاه ، نوشته شده است . اینک ابیات شعر :

هر آنکس که از مردگان دل‌بست

نباشد همان دوستی را درست

مده کار کرد نیاکان به باد

مبادا که پسند من آیدت یاد

چو نیکی کند کس ، تو پاداش کن

ممان تا شود رنج نیکان کهن

۳ - رستم و سهراب .

در جانب چپ :

۴ - داریوش بزرگ بر تخت .

۵ - دوفتر از اسپهبدان در حضور شاهنشاه ساسانی .

۶ - آمدن پادشاه هندوستان به دربار شاهنشاهی .

بیرون مقبره

اضلاع محیط پیرامون مقبره حدوداً ۳۰ متر در ۳۰ متر است . دومتر ارتفاع دارد . از چهار طرف پله می‌خورد و بالا می‌رود و راهروی به عرض ۵ متر دورتادور مقبره تشکیل می‌دهد . کف این راهرو با سنگهای شش گوشه به قطر ۴۰ سانت فرش شده است . عرض پله‌ها حدود شش متر است . پس از این راهرو ، به دیواری به ارتفاع یک متر

در دو جانب خارجی در ورودی مقبره ، شش نقش برجسته به چشم می‌خورد ، هر یک به طول و عرض ۱ متر . سه نقش این سو ، و سه نقش درسوی دیگر آن . زیر آنها بر لوحه‌های کوچک برنجین چنین نوشته‌اند .

در جانب راست :

۱ - پیکار رستم .

۲ - جنگ دلاوران ایران و توران .

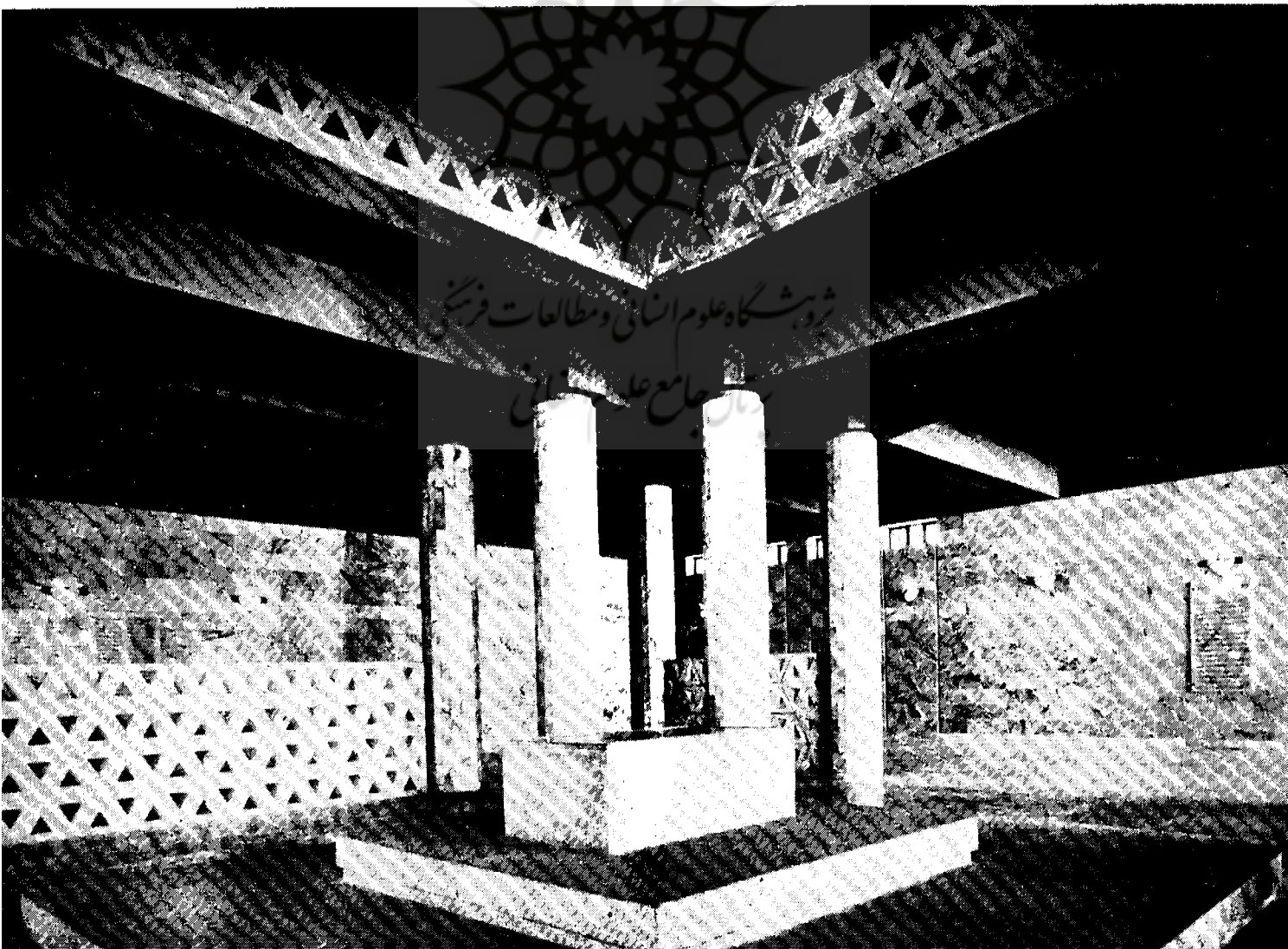
ولبه پیش آمده به سوی خارج دارد. در هر گوشه این مربع یک ستون، و در هر یک از اضلاع آن دو ستون، یعنی مجموعاً ۱۲ ستون گرداگرد آن برپاست. ارتفاع ستونها ۵ متر و قطر آنها حدود ۳۰ سانتی متر است. بر فراز این مربع عظیم، سکویی به ارتفاع ۱ متر قرار دارد که هر یک از اضلاع آن ۱۰ متر است. بر این سکو، سکوی دیگری است باز به ارتفاع ۱ متر، اما با این تفاوت که هر یک از اضلاع آن به ۶ متر تقلیل پیدا کرده است. و این بام مقبره محسوب می شود که زیر آن، از داخل مقبره، کاشیکاری است که قبلاً ذکر آن رفت.

#### معماری آرامگاه

تمام ساختمان آرامگاه، چه بیرون و چه داخل، از سنگ مرمر بنا شده. شکل انتخاب شده برای معماری، تلفیقی است از معماری بناهای تخت جمشید و معماری مدرن. ستونها و سرستونهایی که گرداگرد بنای مقبره برپا داشته شده اند. در همان نظر اول، بیننده را به یاد ستونها و سرستونهای تخت جمشید می اندازند. به خصوص، تصویر برجسته فروهر، که

بر می خوریم که دورتادور مقبره کشیده شده است و از چهار طرف مدخل دارد. از این مدخل ها که وارد شوی، باز راهروی است به عرض دو متر که با سنگهای شش گوشه بزرگتری به قطر قریب ۶۰ سانت فرش شده است. طول هر یک از اضلاع این دیوار که گرداگرد مقبره کشیده شده است، ۲۰ متر است. وارد این راهرو که می شویم، دیوار بنای اصلی مقبره در جلو ماست. هر یک از اضلاع پایه بنای اصلی مقبره، تقریباً ۱۶ متر طول دارد. بدنه آن، با سنگهای مرمر به طول و عرض ۸۰×۳۰ سانتی متر پوشیده شده است. بعد، یک متر و نیم به طور عمودی بالا می رود و بعد با قرنیزها و لبه های تزیینی، حدود یک متر به طرف داخل، یعنی مرکز مقبره می رود و طول هر یک از اضلاع آنرا از ۱۶ متر به ۱۴ متر می رساند. آنگاه، حدود یک متر و نیم به طور عمودی بالا می رود و با لبه ها و قرنیزهای تزیینی ۲۰ سانتی متر به سوی خارج پیشروی می کند. در اینجا باز دو متر به سوی داخل می رود و طول هر یک از اضلاع بدنه مقبره را به ۱۲ متر می رساند. این مربع، با ضلع ۱۲ متر، حدود ۹ - ۸ متر عمودی بالا می رود و باز ۳۰ سانتی متر قرنیز

گوشه ای از داخل آرامگاه



بر بالای ضلع جنوبی بنای اصلی مقبره ، حك شده است ، این تداعی را قوت بیشتری می بخشد . در چهار جانب ، بر سطوح چهارگانه بنای اصلی مقبره ، ۴۷ بیت از شاعران ، با خط خوش نستعلیق ، بر مستطیل هایی که ۴ متر طول و ۱٫۵ متر عرض دارند ، کنده شده است . هر يك از این مستطیل ها را ، دوستون در میان گرفته اند . این ابیات از همان ضلعی که نقش برجسته فروهر بر آن منقوش است ، یعنی ضلع جنوبی آغاز می شوند و سرانجام در جانب شرقی به پایان می رسند . گرداگرد این نوشته ها با تزیینات به سبك معماری هخامنشی ، کنده کاری و زینت شده است .

این ابیات را ، به سبب آنکه از زیبایی و صلابت و روانی شگفت انگیزی برخوردارند ، تماماً نقل می کنم :

به نام خداوند جان و خرد  
کزین برتر اندیشه بر نگذرد  
خداوند کیهان و گردان سپهر  
فروزنده ماه و ناهید و مهر  
ز نام و نشان و گمان برتر است  
نگارنده بر شده گوهر است  
یکی نامه بد از گه باستان  
فراوان بدو اندرون داستان  
پراکنده در دست هر موبدی  
از او بهره ای برده هر بخردی  
یکی پهلوان بود دهقان نژاد  
دلیر و بزرگ و خردمند و راد  
پژوهنده روزگار نخست  
گذشته سخنها همه باز جست  
ز هر کشوری موبدی سالخورد  
بیاورد و این نامه را گرد کرد  
پرسیدشان از نژاد کیان  
وزان نامداران و فرخ گوان  
که گیتی به آغاز چون داشتند  
که آیدون به ما خوار بگذاشتند  
بگفتند پیشش یکا یک مهان  
سخنهای شاهان و گشت جهان  
چو بشنید از ایشان سیهبد سخن  
یکی نامور نامه افکند بن  
چنان یادگاری شد اندر جهان  
بر او آفرین از کهان و مهان  
چو از دفتر این داستانها بسی  
همی خواند خواننده بر هر کسی  
جوانی بیامد گشاده زبان  
سخنگوی و خوش طبع و روشن روان

به نظم آرم این نامه را گفت من  
از او شادمان شد دل انجمن  
ز گشتاسب و ارجاسب بیستی هزار  
بگفت و سرآمد بر او روزگار  
بر او تاختن کرد ناگاه مرگ  
نهادش به سر بر یکی تیره ترگ  
برفت او و این نامه ناگفته ماند  
چنان بخت بیدار او خفته ماند  
دل روشن من چو برگشت از او  
سوی تخت شاه جهان کرد روی  
که این نامه را دست پیش آورم  
زد دفتر به گفتار خویش آورم  
به شهرم یکی مهربان دوست بود  
تو گفتی که با من به يك پوست بود  
مرا گفت خوب آمد این رای تو  
به نیکی خرامد مگر پای تو  
نوشته من این نامه پهلوی  
به پیش تو آرم مگر نغوی  
گشاده زبان و جوانیت هست  
سخن گفتن پهلوانیت هست  
شو این نامه خسروی بازگوی  
بدین جوی نرد مهان آبروی  
چو آورد این نامه نزد يك من  
برافروخت این جان تاریک من  
بپیوستم این نامه باستان  
پسندیده از دفتر راستان  
ز ابیات غرا دوره سی هزار  
مرآن جمله در شیوه کارزار  
من این نامه شهبانان پیش  
بگفتم بدین نغز گفتار خویش  
همان نامداران گردنکشان  
که دارم یکا یک از ایشان نشان  
همه مرده از روزگار دراز  
شد از گفت من نامشان زنده باز  
چو عیسی من این مردگان را تمام  
سراسر همه زنده کردم به نام  
بناهای آباد گردد خراب  
ز باران و از تابش آفتاب  
پی افکنم از نظم کاخی بلند  
که از باد و باران نیابد گرد  
بدین نامه بر عمرها بگذرد  
بخواند هر آنکس که دارد خرد



جهان از سخن کرده‌ام چون بهشت  
 از این بیش تخم سخن کس نکشت  
 بسی رنج بردم در این سال سی  
 عجم زنده کردم بدین پارسی  
 زمانم سر آورد گفت و شنید  
 چو روز جوانی به پیری رسید  
 رخ لاله‌گون گشت برسان ماه  
 چو کافور شد رنگ ریش سیاه  
 ز پیری خم آورد بالای راست  
 هم از نرگسان روشنایی بکاست  
 کنون عمر نزدیک هشتاد شد  
 امیدم به یکباره بر باد شد  
 سرآمد کنون قصه یزدگرد  
 به ماه سفندارمذ روز ارد  
 ز هجرت شده پنج هشتاد بار  
 که گفتم من این نامه شهریار  
 چو این نامور نامه آمد به بن  
 ز من روی کشور بشد پر سخن  
 هر آنکس که دارد هش و رای و دین  
 پس از مرگ بر من کند آفرین  
 نمیرم از این پس که من زنده‌ام  
 که تخم سخن را پراکنده‌ام

#### تاریخچه آرامگاه

احداث باغ و بنای آرامگاه به صورتی که اکنون دیده می‌شود، به طور کلی در دومرحله انجام پذیرفته است. مرحله نخستین، در سال ۱۳۱۳ هنگام برگزاری جشن هزاره شاعر، انجام گرفته. مساحت کل باغ آرامگاه در آن وقت ۲۵۲۴۸ مترمربع بوده است. مرحله دوم، از سال ۱۳۴۳ آغاز شده و در سال ۱۳۴۷ به پایان آمده است. مرحله اخیر، اصلاح اساسی بنا و توسعه باغ آرامگاه را دربرداشته است. لازم به گفتن است که در هیئت خارجی و نمای اصلی بنای آرامگاه هیچگونه تغییری داده نشده است. اما درون آن و محوطه باغ، تغییرات بسیاری به خود دیده است. در جزوه «آرامگاه فردوسی»<sup>۱</sup> راجع به این موضوع، چنین آمده است: «در بنای پیشین، اطاق آرامگاه بر فراز سکویی انباشته واقع گردیده محوطه داخلی آن بس کوچک و تاریک و مرطوب بود و از طرفی بعلمت عدم آشنائی به فنون آزمایش خاک و پیش‌بینی استواری شالوده در هنگام ساختمان، طی سالیان دراز کلیه بنا در معرض آسیبهای گوناگون قرار میگرفت و اکنون سکوی انباشته پیشین به تالاری بوسعت نهصد مترمربع تبدیل شده است که بام آن منظر سکوی نامبرده را بخوبی مینماید و در نتیجه

این تدبیر، ساحت درونی آرامگاه جایگزین خاک و آوارسکوی انباشته سابق گردیده است. بر اثر اجرای این منظور محوطه اطاق کوچک پیشین در همان ارتفاع واقع گردیده لکن با تزئینات کاشیکاری مناسب درونی همچون سقف زیرین گنبدی بر فراز تربت حکیم جلوه‌گر است.»

(آرامگاه فردوسی - صفحه ۵)

اکنون، به شرح مختصر تغییراتی که از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۷ در این جایگاه صورت گرفته است می‌پردازیم:  
 ۱ - احداث تالاری به وسعت ۹۰۰ متر در داخل آرامگاه. در ضمن شش قطعه از نقش‌های برجسته سنگی، که قبلاً بر دیوار دوطرف راهرو ورودی اطاق سابق آرامگاه قرار داشته‌اند، و نیز دولوحه سنگ‌نوشته، که بر دیوارهای شمالی و جنوبی اطاق مذکور نصب شده بودند، اکنون بر دیوارهای پلکان ورودی دوجانبه مدخل تالار آرامگاه کار گذاشته شده‌اند. این نقش‌های برجسته، صحنه‌هایی از داستانهای شاهنامه را نشان می‌دهند.

۲ - صحن باغ از هر سو ۵۰ متر فراتر رفته است و بدین ترتیب مساحت آن به بیش از ۲ برابر مساحت پیشین رسیده است. و برای درختکاری و سرسبزی آن نیز اقداماتی صورت گرفته است.

۳ - احداث ساختمانهایی برای کتابخانه، موزه، مهمانسرا، آسایشگاه و رستوران و غیره.

۴ - تندیس شاعر، تراشیده از سنگ یک لخت، در قسمت شرقی باغ آرامگاه برپا داشته شده است.

۵ - از کنار بقعه امام محمد غزالی که در یک کیلومتری در آرامگاه، کنار پل کشف‌رود قرار دارد، خیابان پهن مشجری تا خود آرامگاه کشیده شده است.

۶ - احداث سایبان، برای محافظت قسمتی از دیوار باروی قدیمی طوس که اکنون به علت وسعت یافتن باغ آرامگاه در داخل آن واقع شده است.

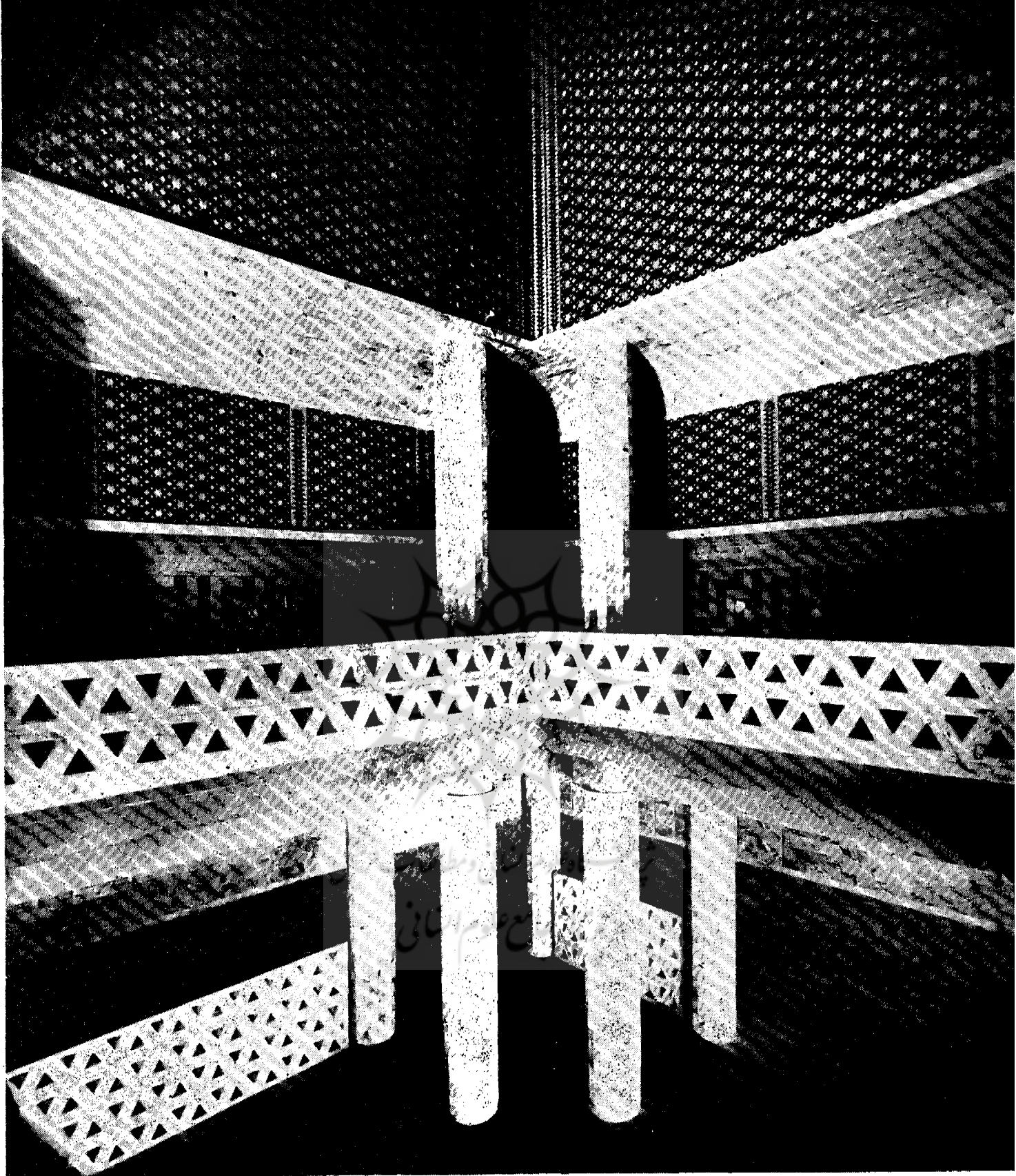
۷ - اقداماتی برای تأمین پاره‌ای نیازمندیها، از قبیل آب، روشنایی و غیره.

اکنون، مساحت کل باغ آرامگاه به بیش از ۵۶۷۵۳ مترمربع می‌رسد. مساحت زیربنای ۹۴۵ مترمربع و مساحت زیربنای ساختمانهای دیگر ۲۷۶۶ مترمربع است.

انجام این اصلاحات، ۹۸،۵۸۵،۵۹۶ ریال [یعنی تقریباً حدود ده میلیون تومان] هزینه برداشته است.

طراح و ناظر ساختمان، مهندس هوشنگ سیحون، و سازنده آن شرکت کا. ژ. ت بوده‌اند.

ساختمان آرامگاه، در روز ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۷ گشایش



گوشه‌ای دیگر از داخل آرامگاه

یافته است، لیکن در حال حاضر، به جز تالار مقبره، هیچیک از ساختمانهای دیگر آرامگاه برای دیدار بازدیدکنندگان آماده نیست.

### توصیف صحن، وسایر بناهای آرامگاه

در ابتدای ورود به صحن آرامگاه، پس از کیوسک فروش بلیت ورودی و جزوات مربوط به آرامگاه و شرح حال شاعر، استخر بزرگی دیده می‌شود. طول و عرض آن را که پیمودم، ۵۰ در ۱۸ گام بود. دوفواره بزرگ ۱۲ شاخه در دوسرطول آن، و فواره کوچکتری در میان آنها دیده می‌شود. گرداگرد استخر، نیمکت‌های زیبایی که از سنگهای سخت تراشیده‌اند، نصب شده، و آنگاه نوار پهنی از چمن و درخت و گل اطراف آن کشیده شده است. فاصله میان استخر و باغچه‌ها، با سنگهای مختلف‌الشکل کوچک و بزرگ فرش شده است، و بقیه جاها، شن‌ریزی و اسفالت است. چهار جانب بنای مقبره، و اصولاً تمام صحن آرامگاه را، باغچه‌های کوچک و بزرگ چمن - کاری‌ها، شن‌ریزی‌ها، درختان بلند و سرسبز، تیرهای فلزی چراغهای برق، نورافکنها، جدول‌بندیها و حوضهای متعدد، فرا گرفته است. دور باغچه‌ها را شمشاد کاشته و آنها را چون دیواری مستقیم و منظم، بریده‌اند، که باغچه‌ها را چون حصاری در میان خود گرفته‌اند.

در گوشه جنوب غربی صحن آرامگاه دوساختمان از سنگ مرمر سفید بنا شده که مهمانسرای آرامگاه به شمار می‌روند. در مقابل آنها، اواسط ضلع غربی دیوار صحن، ساختمان رستوران شماره ۱ قرار دارد که در ورودی آن، درست به سوی ضلع غربی بنای اصلی آرامگاه، که در وسط باغ است، باز می‌شود. بالاتر از رستوران، بناهای نیمه تمام کتابخانه و موزه جدید برپاست. و سرانجام در گوشه شمال غربی، قسمتی از دیوار باروی قدیمی طوس برجاست، که بر اثر توسعه صحن آرامگاه، به داخل باغ آمده است. طول آن تقریباً ۳۰ متر است و به موازات دیوار شمالی باغ قرار گرفته است. دیوار مذکور، اکنون حدود ۵ متر عرض دارد. سراسر چینه‌ای است و بر اثر باد و باران و آفتاب قرون متمادی، ساییده و فروریخته است. و این نشان می‌دهد که در گذشته، دست کم ۶ یا ۷ متر پهنا داشته است. ارتفاع آن در بلندترین نقطه بیش از ۶ - ۵ متر نیست. و پیدا نیست که ارتفاع اولیه آن چقدر بوده است. برای حفاظت از این دیوار، به عنوان نشانه‌ای از این باروی تاریخی، گرداگرد آن ستونهایی آهنی به قطر ۱۰ سانت به زمین فرو کرده‌اند و بر فراز این اسکلت آهنی، پوششی از ایرانیست کشیده‌اند.

در میان باغچه‌ای که در مقابل در ورودی ساختمانهای مهمانسرای آرامگاه قرار دارد، مجسمه نشسته‌ای از فردوسی دیده می‌شود که بر روی پایه‌ای سنگی به ارتفاع یک متر، استوار

شده است. در یک دست، دسته‌ای کاغذ، و در دست دیگر قلم. چهره پراپت و باشکوه شاعر، حالت تفکر دارد و به دور دستها خیره شده است. زیرپایش دسته‌های کاغذ و قلمدانی دیده می‌شود. در چشمهایش حزنی تاریخی خوانده می‌شود.

گویی رنجها و دردهای فراوان تاریخ بشری را باز می‌گوید. گویی شاعر زنده شده است. گویی از پس هزارواندی سال، بار دیگر قدم در جهان نهاده، و اکنون بر این سکوی سنگی، به چشم‌اندازهای زادگاه و میهن خود خیره شده است. گویی در التهاب و شور و تپش نبوت الهام است. گویی می‌خواهد که باز بسراید:

جهان پر زبده‌خواه و پردشمن است  
همه مرز ما جای اهریمن است  
نه هنگام آرام و آسایش است  
نه روز درنگ است و آرایش است  
دربغ است ایران که ویران شود  
کنام پلنگان و شیران شود  
همه جای جنگی سواران بدی  
نشستنگه شهریاران بدی  
کنون جای سختی و جای بلاست  
نشستنگه تیزچنگ ازدهاست  
چو ایران نباشد، تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یکنن مباد  
همه سر بسر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

در اواسط ضلع شمالی دیوار باغ، به موازات بازمانده دیوار باروی طوس، یک گلخانه بزرگ شیشه‌ای، و منبع آبی قرار دارد. گلخانه پر گل بود و گلدانهای فراوانی در اطراف آن به چشم می‌خورد. در گوشه شمال غربی صحن باغ، پس از گلخانه، ساختمانهایی برای سکونت برخی از کارکنان آرامگاه ساخته شده است. حدود سه دستگاه.

در اواسط ضلع غربی، روبروی پلکان دوجانبه مدخل بنای اصلی مقبره، رستوران شماره ۲ ساخته شده است، و پس از آن، در گوشه جنوب غربی صحن باغ، ساختمان کتابخانه و موزه فعلی برپاست. به هر دو رستوران سری زدم. رستوران شماره ۱ بسیار شیک بود. میزها و صندلیها و تزیینات قشنگی داشت. غذای گرم هم آنجا بود، اما رستوران شماره ۲ ساده و محقر بود و جز چایی و سیگار و بیسکویت و از این قبیل، چیزی نداشت. میز نداشت و صندلیهایش هم عبارت بودند از سکوهایی که بغل دیوار ساخته بودند. با این حال، رستوران شماره ۲ شلوغ‌تر بود. و این نشان می‌داد آنها که دستشان خالی‌تر

است، سهم بیشتری در دیدار از آرامگاه دارند! از رستوران بیرون آمدم. هوا صاف و روشن بود و آفتاب دلچسبی می‌تابید. مردم، اینجا و آنجا، پای مجسمه شاعر، لب استخر، کنار آرامگاه می‌ایستادند یا می‌نشستند و عکس می‌گرفتند. صحن باغ، پر از آدم بود. زنها، بچه‌ها، جوانها، پیرها، که می‌گشتند یا روی نیمکت‌ها می‌نشستند.

### ایرادات

نور درون تالار مقبره، برای روشن کردن چنین مکان وسیعی کافی نیست. زیرا مشکل بتوان فضای وسیعی به مساحت ۹۰۰ متر مربع را، تنها با ۴۰ لامپ کم‌نور، که تازه از پشت محفظه‌هایی که با شیشه یخی پوشانده شده‌اند، روشن ساخت. پنجره‌های آرامگاه، در هر دو ضلع شرقی و غربی، بسیار کوچکند. در هر طرف، نزدیک به سقف و به موازات آن، قریب هشت پنجره ۱ متر در ۴۰ سانتی‌متر قرار دارد. در ضلع جنوبی که اصلاً پنجره ندارد. تنها ضلع شمالی است که پنجره‌های بزرگ و مناسبی دارد. اگر اضلاع دیگر نیز چنین پنجره‌هایی داشت، دخول نور به آسانی صورت می‌گرفت و همه صحن تالار را روشن می‌ساخت. و این عیب بزرگی برای تالار مقبره است. من دلم می‌خواست و بسیار کوشیدم که از لوحه گور شاعر، یا از نقوش برجسته روی دیوارهای تالار عکس بگیرم، اما به همین علت تاریکی، میسر نشد. حتی، در ساعت شش و نیم عصر، با وجود روشن بودن چراغها، خواندن نوشته‌های روی لوحه‌ها و نیز شرح پیکره‌های برجسته، کمی دشوار بود و دقت بسیار می‌خواست.

اما ایراد چشمگیرتری که در آرامگاه سخنسرای طوس خودنمایی می‌کند، حجاری‌ها و نقوش برجسته‌ای است که صحنه‌هایی از شاهنامه را تجسم می‌بخشد. این نقش‌ها با آن

صحنه‌ها که هر ایرانی از کودکی درباره شاهنامه و داستانهای حماسی آن در تخیل و ذهن خود دارد، همراهی و هماهنگی صمیمانه‌ای نمی‌کند. فردوسی و پهلوانان حماسه‌اش، سرشناس-ترین قهرمانان تاریخ و افسانه‌های ایران‌اند، آنها با مردم ما انس و الفت عاطفی دیرینه‌ای دارند، در اذهان، سمبل توانائی‌های بی‌حد و مرز انسانی و عروج قهرمان تا مرز اسطوره‌اند. آنها صدای تاریخ، صدای رسا و پنهان روح ایران‌اند، از اینرو تجسم بخشیدن به این شخصیت‌ها که اینک آینه‌ای از واقعیت، افسانه، تخیل و آب‌ورنگهای ذهن و احساسات هستند، ظرافت و روان‌شناسی ملی عمیقی را می‌طلبد. در حالیکه نقوش آرامگاه این قهرمانان تاریخی و اسطوره‌ای را ناگهان بشدت در ذهن بیننده ایرانی سرکوب می‌کند و آنها را تا حد آدمهای معمولی کوچک و بازار پائین می‌آورد. حجاریها و نقوش برجسته آرامگاه حالتی ضد افسانه‌ای و بیشتر واقع‌گرایانه دارد و این با روح شاهنامه و هدف اصلی و اساسی فردوسی در تضادی آشکار است، اما نباید از یاد برد که این نقوش رویهم‌رفته بر شکوه و صلابت آرامگاه سخنسرای طوس افزوده‌اند.

۱ - منظور امام محمد غزالی طوسی است.

۲ - خواجه نصیرالدین طوسی.

۳ - شیخ طوسی.

۴ - جزوه‌ای است در ۱۴ صفحه، به قیمت ده ریال، از انتشارات انجمن آثار ملی، که همراه با فروش بلیت ورودیه، در کیوسک دم در ورودی باغ آرامگاه به دیدارکنندگان عرضه می‌شود.

نقص این جزوه در آنست که اطلاعات بسیار اندک و مختصری درباره آرامگاه به دست می‌دهد. و بیشتر آن را مطالب زائد و بی‌اهمیت بر کرده است.

ژئوشناسان و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی